

کلیات :

بیان مسئله :

سید محمد حسینی بهشتی در ۲ آبان سال ۱۳۰۷ در محله لنبان (لومبان) اصفهان در یک خانواده مذهبی به دنیا آمد و بعد از طی کردن دوران دبستان و دبیرستان در سال ۱۳۲۱ در سن ۱۴ سالگی دبیرستان را رها کرد و وارد حوزه علمیه اصفهان شد. وی تا سال ۱۳۲۵ در اصفهان بود و پس از آن برای ادامه ی تحصیلات حوزوی وارد شهر قم گردید. در کنار طلبگی با گرفتن دیپلم ادبی به صورت متفرقه و ورود به دانشکده معقول و منقول دوره ی لیسانس را در سالهای ۲۷ تا ۳۰ گذراند. در سال ۱۳۴۲ با هیئت های مولفه رابطه فعال و سازمان یافته داشته و در شورای فقهی این جمعیت فعالیت داشت. در اسفند سال ۱۳۴۳ به پیشنهاد آیت الله میلانی و خوانساری به هامبورگ رفت و در سال ۴۹ بر حسب ضرورت سفری به ایران داشت که در آن سفر توسط ساواک ممنوع الخروج شد و اقامت شش ساله او در هامبورگ سپری گردید. پس از رفتن امام خمینی به پاریس به آنجا رفته و مجوز تأسیس هسته ی شورای انقلاب را از امام گرفت. وی به عنوان دبیر شورای انقلاب انتخاب شد. در اول اسفند سال ۵۷ حزب جمهوری را تأسیس کرد و در ۱۴ اسفند ۵۸ طی حکمی از سوی امام ریاست قوه قضائیه را به عهده گرفت. پس از برکناری بنی صدر به همراه رجایی و رفسنجانی در شورای موقت ریاست جمهوری عضویت داشت و سرانجام در ۷ تیر سال ۶۰ به همراه ۷۲ تن از رجال و شخصیت های سیاسی و انقلابی توسط مجاهدین خلق ترور شد.

نگارنده در این پایان نامه تلاش می کند در حد توان خود شرح کاملی از شخصیت فرهنگی، سیاسی و علمی آیت الله بهشتی به دست دهد تا بدین وسیله دانش پژوهان با شخصیت و اندیشه ایشان که بخشی از تاریخ انقلاب اسلامی است آشنا گردند.

سوال اصلی تحقیق :

۱- آیت الله بهشتی در تحولات انقلاب اسلامی ایران در سالهای ۶۰-۵۶ چه تأثیری داشت ؟

فرضیه اصلی تحقیق :

۱- آیت الله بهشتی با حضور موثر در نهضت اسلامی و شورای انقلاب، در جایگاه اشاعه اندیشه های انقلاب، تأسیس حزب جمهوری و مدیریت مجلس خبرگان و تنظیم قانون اساسی نقش موثری در سالهای ۵۶ تا ۶۰ ایفا کرد

سوالات فرعی:

- ۱- اساس اندیشه سیاسی آیت الله بهشتی به ویژه در ارتباط با حکومت مطلوب چه بود؟
- ۲- در میان خدمات انقلابی آیت الله بهشتی کدام یک از ارزش‌ها اهمیت ویژه‌ای برخوردار بود؟

فرضیه‌های فرعی:

- ۱- حکومت مطلوب ایشان حکومت امت و امامت است یعنی در عین اینکه نبض حکومت در دست ولی فقیه می‌باشد همکاری و تعامل او و مردم قطع نشود.
- ۲- ارزشمندترین خدمت آیت الله بهشتی به انقلاب اسلامی تلاش در تدوین قانون اساسی بود.

سوابق پژوهشی موضوع:

در رابطه با شخصیت آیت الله بهشتی و اندیشه‌هایش پایان‌نامه‌هایی با عناوین اسلام و مقتضیات زمان از دیدگاه شهید بهشتی نوشته صدیقه قاسمی در دانشگاه آزاد واحد کرج در سال ۱۳۸۰، جوان از دیدگاه شهید بهشتی نوشته رقیه بیک زاده در حوزه علمیه قم سال ۸۳، آزادیهای اجتماعی در نگاه شهید بهشتی نوشته رحمت الله موسوی مقدم عضو هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی ایلام گروه معارف در سال ۸۳، بررسی و تبیین مفهوم آزادی در اندیشه‌ی شهید بهشتی نوشته رحمت مهدوی در دانشگاه تربیت مدرس در سال ۱۳۹۰، بررسی آراء و اندیشه‌های سیاسی و اجتماعی آیت الله بهشتی نوشته محمدرضا آهنگریان در دانشگاه آزاد اسلامی واحد چالوس در سال ۱۳۸۹، نسبت آزادی و مشروعیت در حکومت اسلامی از نگاه شهید بهشتی نوشته محمد اسماعیل شیخانی در دانشگاه تربیت مدرس در سال ۱۳۸۹، نوشته شده اما در خصوص پایان‌نامه حاضر که اندیشه و عملکرد آیت الله بهشتی در استقرار نظام جمهوری اسلامی می‌باشد تحقیق جامعی صورت نگرفته است. همچنین کتابهایی که تاکنون نوشته شده است از این قرار می‌باشد زندگی و مبارزات آیت الله بهشتی نوشته علی کردی انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۵، تاریخ شفاهی زندگانی و مبارزات آیت الله بهشتی نوشته امامعلی شعبانی انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۷، بهشتی و انقلاب نوشته مسیح مهاجری انتشارات اوج، ۱۳۳۶۱ و..... در واقع می‌توان گفت تفاوت این کار پایان‌نامه با پایان‌نامه‌های مرتبط با آیت الله بهشتی در این است که در کنار بررسی اندیشه‌های وی عملکردهای او را هم در دهه‌های ۳۰، ۴۰ و ۵۰ مورد بررسی قرار می‌دهیم علاوه بر این در این پایان‌نامه به مباحثی پرداخته شده که در پایان‌نامه‌های قبلی وجود ندارد

بیان روش و مراحل تحقیق :

روش تحقیق در این پایان نامه روش تاریخی و به شیوه توصیفی - تحلیلی است به این معنا که

ابتدا با توجه به طرح اولیه پژوهش و با استفاده از شیوه ی کتابخانه ای اقدام به شناسایی منابع و جمع آوری اطلاعات کرده سپس به توصیف اندیشه و عملکرد آیت الله بهشتی مبادرت و به تحلیل پرداخته همچنین در این پایان نامه از روش میدانی (مصاحبه) و اسنادی نیز استفاده شده است.

نتایج علمی قابل پیش بینی از تحقیق :

هدف از این پژوهش بررسی اندیشه های سیاسی ، اقتصادی و دینی آیت الله بهشتی و همچنین عملکردش به صورت جداگانه می باشد . نتایجی که از این تحقیق می توان متصور بود ۱- میزان نقش شخصیتها در تحولات تاریخی به دست خواهد آمد ۲- بخشی از تاریخ معاصر ایران روشن خواهد شد ۳- خواننده با بخشی از تاریخ انقلاب اسلامی آشنا خواهد شد . امید است از نتایج این پایان نامه دستگاههای فرهنگی و سیاسی کشور همچون وزارت علوم ، وزارت ارشاد ، وزارت امور خارجه ، سازمان تبلیغات و نهادهای حوزوی و دانشگاهی استفاده ببرند.

سازماندهی پژوهش:

این پژوهش در چند بخش تنظیم شده و هر بخش نیز به فصولی تقسیم شده است در بخش نخست نگارنده نگاه اجمالی به زندگینامه آیت الله بهشتی دارد که شامل تولد و پیشینه ی خانوادگی ، تحصیلات و اساتید ، زمانه و فضای سیاسی ایران از شهریور ۱۳۲۰- ۱۵ خرداد ۴۲ می باشد .

بخش دوم این پایان نامه عملکرد و فعالیت های آیت الله بهشتی می باشد در واقع پاسخ به سوال اصلی این پایان نامه در این بخش گنجانده شده است . که فصول این بخش شامل فعالیتهای دهه ی ۳۰ که خود این فصل نیز زیر مجموعه هایی چون تأسیس مدرسه ی دین و دانش ، مدرسه حقانی ، کانون دانش آموزان و فعالیت مطبوعاتی رادر بردارد.

فصل دوم این بخش فعالیت دهه ی ۴۰ با تکیه برانتقال آیت الله بهشتی از قم به تهران ، عضویت او در شورای فقهی هیأت مؤتلفه و عزیمت وی به آلمان می باشد .

فصل سوم این بخش به بازگشت آیت الله بهشتی از هامبورگ ، فعالیت او در تدوین کتب دینی ، جامعه ی روحانیت مبارز ، راهپیمایی عید فطر ، راهپیمایی شانزده شهریور ، راهپیمایی تاسوعا وعاشورا ، تحصن در دانشگاه تهران و تشکیل کمیته استقبال اشاره دارد که این فعالیت ها مربوط به قبل از انقلاب است .

همچنین در این فصل به فعالیت و عملکرد پس از انقلاب او نیز پرداخته شده که شورای انقلاب، حزب جمهوری، ماجرای کردستان، مجلس خبرگان، شورای عالی قضایی، تسخیر لانه ی جاسوسی، اصلاحات ارضی و جریان بنی صدر را در بر دارد.

در بخش سوم این پایان نامه به اندیشه های آیت الله بهشتی در بخشهای سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و دینی پرداخته شده است.

از دیگر مباحثی که در این پایان نامه مورد بررسی قرار گرفته است می توان به بهشتی از نگاه دیگران، آیت الله بهشتی و امام خمینی، بهشتی و روش گروههای مسلح در رابطه با فدائیان اسلام، هیأت متلفه و مجاهدین خلق، شایعات و شبهات و حادثه ی ۷ تیر اشاره کرد.

معرفی و ارزیابی منابع:

۱- **سخنرانی ها و مصاحبه های آیت الله شهید محمد حسینی بهشتی:** این کتاب که مرکز اسناد انقلاب اسلامی آن را در سال ۸۶ چاپ کرده است تدوین آن را محمدرضا سرابندی برعهده داشته است و در سه جلد تنظیم شده، جلد اول آن شامل دو بخش است، بخش اول به پنج فصل تقسیم شده و شامل زندگی نامه، فعالیت های سیاسی، عملکرد و اندیشه های شهید بهشتی می باشد که در قسمت زندگی نامه اصل مطالب برگرفته از زندگی نامه دکتر بهشتی به زبان خودش که در مجله شاهد به چاپ رسیده می باشد البته برای تکمیل مباحث این بخش از اسناد و منابع دیگر و همچنین خاطرات افرادی که با وی همکاری داشته اند نیز استفاده شده است، بخش دوم این کتاب سخنرانی ها و مصاحبه های آیت الله بهشتی است، سخنرانی هایی که در سالهای ۵۹-۴۰ انجام شده است ج دوم این مجموعه سخنرانیها و مصاحبه های سال ۵۹ یعنی از خرداد تا اسفند این سال و جلد سوم این مجموعه از اسفند سال ۵۹ تا شهادتش را در بردارد در واقع مرکز اسناد انقلاب اسلامی سخنرانیها و مصاحبه های شهید بهشتی را در یک مجموعه سه جلدی جمع آوری کرده است این مجموعه شامل تمامی سخنرانی ها و مصاحبه های دکتر بهشتی است و ضمن اینکه به عنوان یک منبع مهم تاریخ انقلاب اسلامی به ویژه در سال ۶۰-۵۸ به حساب می آید بازگوکننده ی میزان فعالیت و عمق اندیشه ی او است. آیت الله بهشتی در سخنرانی ها و مصاحبه های خود نظراتش را در باره ی مسایل گوناگون عقیدتی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی بیان کرده است لذا این مجموعه تمامی سخنرانیها و مصاحبه های وی را بعد از انقلاب جمع آوری کرده است. این سخنرانیها و مصاحبه ها بر اساس ترتیب زمانی مرتب شده است و ۳۰۰ مورد را شامل می شود. منابعی که این سخنرانیها و مصاحبه ها از آن استخراج شده است در درجه اول روزنامه ها به ویژه روزنامه جمهوری اسلامی طی سالهای ۵۷ تا ۶۰ می باشد البته از روزنامه ها و مجلات دیگر و نیز آرشیو مرکز اسناد

برای تکمیل این مجموعه استفاده شده است. نگارنده از این مجموعه سه جلدی در بیشتر بخشهای پایان نامه بهره برده است.

۲- تاریخ شفاهی زندگانی و مبارزات آیت الله شهید دکتر بهشتی: این کتاب را امامعلی شعبانی عضو هیئت علمی گروه تاریخ دانشگاه اراک تدوین کرده و مرکز اسناد انقلاب اسلامی آن را در زمستان ۸۷ چاپ کرده است، شعبانی با استفاده از منابع شفاهی به بازگو کردن خاطرات نزدیکان و دوستان آیت الله بهشتی پرداخته است ابتدا سعی کرده در درجه اول شهید بهشتی را آن چنان که بوده و زندگی کرده معرفی کند و بعد به نقش و جایگاه او در تحولات سیاسی و اجتماعی تاریخ معاصر ایران بپردازد. اساس منابع تحقیق را در خصوص زندگی و مبارزات شهید بهشتی را مصاحبه ها، گفتگوها و دست نوشته های خانواده آیت الله بهشتی به ویژه محمدرضا، علیرضا بهشتی و دکتر جواد اثره ای (داماد بهشتی) تشکیل داده است. این کتاب از هشت فصل تشکیل شده است که فصل اول آن به تولد وزادگاه آیت الله بهشتی، ویژگی علمی و شخصیتی خاندان وی و ماجرای ازدواج او پرداخته است.

فصل دوم مهاجرت و اقامت آیت الله بهشتی به قم، تحصیلات، اساتید، و هم دوره های او و تحصیلات جدید آیت الله بهشتی تا مقطع دکتری را شامل می شود.

فصل سوم فعالیت آیت الله بهشتی را در دهه ۱۳۳۰ در قم بحث می کند که این فعالیت ها آموزشی، علمی و اجتماعی بوده همچنین انتقال او به تهران در این فصل بحث شده است.

فصل چهارم: به دوره ی دوساله اقامت او در تهران اختصاص دارد او در این سالها به فعالیت های فرهنگی و آموزشی پرداخته و در مدارس چون کمال و رفاه تدریس داشته، در تدوین کتب درسی همکاری داشته و همچنین در هیأت مؤتلفه فعالیت میکرده است.

فصل پنجم به شرح علل هجرت ایشان به آلمان و فعالیت های مختلف او در آنجا می پردازد.

فصل ششم به بازگشت آیت الله بهشتی از آلمان، رابطه اش با علی شریعتی، مجاهدین خلق، و وقایع سال ۵۷ اشاره دارد.

فصل هفتم سال های بحران (۶۰-۵۸) را در بردارد و در مورد شورای انقلاب، مجلس خبرگان، شورای عالی قضایی، اصلاحات ارضی، حزب جمهوری، تسخیر سفارت آمریکا، جریان بنی صدر و شهادت آیت الله بهشتی بحث کرده است.

فصل هشتم در مورد ویژگی شخصیتی آیت الله بهشتی مطالبی را عنوان کرده است. شعبانی برای نوشتن این کتاب از مصاحبه های زیادی که در آرشیو بنیاد نشر آثار آیت الله بهشتی ، آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی، از سخنرانی هایی که در آرشیو معاونت فرهنگی سازمان تبلیغات اسلامی و همچنین از روزنامه هایی چون آزاد ، اطلاعات ، قدس ، جمهوری اسلامی ، کیهان و غیره استفاده کرده است . نگارنده در بیشتر مباحث پایان نامه از این کتاب استفاده کرده است.

۳- یاران امام به روایت اسناد ساواک: جایگاه و اهمیت اسناد در پژوهش های تاریخی پوشیده نیست به ویژه اسناد اطلاعات و امنیت کشور (ساواک) که برای اهداف خاصی تهیه می شد این اسناد اغلب به نام شخصیت ها ، احزاب ، گروهها و..... بایگانی شدند و استفاده از این اسناد در تدوین تاریخ انقلاب اسلامی همواره مورد توجه بوده است .جلد سوم این کتاب اختصاص به شخصیت و فعالیت های آیت الله بهشتی دارد این کتاب ارائه کننده ی اسنادی است که توسط یک منبع رسمی حکومت پهلوی یعنی ساواک جمع آوری شده و آنچه آنها مکتوب کرده اند بیانگر واقیتهای آن روزگار است .خصلت مبارزاتی شخصیت های انقلاب اسلامی موجب شده که اینان پرونده های قطوری نزد ساواک داشته باشند این گزارش های پر حجم در وهله ی اول ویژگی های مبارزاتی این رجال را نمایان می کند چون مأموران امنیتی رژیم شاه نخستین توجه شان در کسب خبر و ارائه ی گزارش خصلت ضدشاهی بود. اسناد این کتاب به ترتیب زمان و تاریخ چیده شده و از سال ۴۰ ساواک اسنادی را در رابطه با فعالیت آیت الله بهشتی جمع آوری کرده است در این کتاب با توجه به موضوع گزارش شده و چون حالت گزارش دارد دقیق ترین و جزیی ترین مسایل را هم عنوان کرده اند ،در حاشیه اسناد در مورد حوادث و شخصیت های آن توضیحاتی داده شده این اسناد تا سال ۱۱ دی ۵۷ می باشد و از سال ۵۴ به بعد تاریخ هجری شمسی به شاهنشاهی تبدیل شده یعنی گزارش سالهای ۵۵ و ۵۶ به تاریخ شاهنشاهی ۳۵ و ۳۶ می باشد بخشی از این کتاب مجموعه نامه هایی است که توسط آیت الله بهشتی و دوستانش مبادله گردیده و توسط سانسور پستی ساواک ضبط گردیده بیشتر گزارش های این اسناد مربوط به حضور بهشتی در هامبورگ می باشد از این کتاب در قسمت اساتید، فعالیت و عملکرد آیت الله بهشتی در دهه ی ۳۰ و ۴۰ استفاده شده است.

۴- ارزشها در نگاه شهید بهشتی:

روزنامه جمهوری اسلامی با توجه به آفت های گوناگونی که بر سر راه انقلاب و نیروهای انقلابی وجود دارد یادآوری مبانی ارزشی را از زبان چهره های اصیل دینی و پیشگامان انقلاب اسلامی یک ضرورت می داند بر همین اساس هر روز یک جمله از فرمایشات امام خمینی زینت بخش صفحه اول این روزنامه می باشد و در مقاطع مختلف به تناسب ، جملاتی از بزرگانی چون شهید بهشتی به چاپ می رسد انتشار

مطالبی تحت عنوان ارزشها از نگاه شهید بهشتی در تابستان ۱۳۷۳ به مناسبت فاجعه ۷ تیر بنا به تقاضای مردمی و استقبال زیاد به صورت کتاب جداگانه ای چاپ و انتشار یافت. مطالب این کتاب از آثار خود آیت الله بهشتی گرفته شده آثاری چون محیط پیدایش اسلام، ربادر اسلام، در هدایت و عدالت، نقش انبیاء و پیامبران، حج در قرآن، خدا از دیدگاه قرآن، اقتصاد اسلامی، بررسی و تحلیلی از جهاد، عدالت، لیبرالیسم از این کتاب در قسمت اندیشه های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و دینی استفاده شده است.

در نوشتن این رساله از خاطرات زیادی استفاده شده از جمله خاطرات سید محسن موسوی فرد، خاطرات محمد حسن خاکساران، خاطرات محمد جواد کشمیری، خاطرات علی دوانی، خاطرات ابوالفضل توکلی بینا، شهید محلاتی، عبدالمجید معادی خواه، محسن دعاگو، رضا استادی، لطف الله میثمی، و غیره خاطرات از نظر اینکه توسط افرادی نوشته شده که در مصدر امورات بوده و در اتفاق رخ داده دخیل بوده اند حائز اهمیت می باشد اما در کنار این محاسن نباید از معایب آن غافل شد، از آنجایی که این خاطرات پس از گذشت سالها از وقوع حادثه نوشته می شود می تواند معایب متعددی به دنبال داشته باشد از جمله این معایب می توان به ۱- آفت فراموشی به دلیل گذر زمان که مانع از بیان جزئیات حادثه می شود ۲- تأثیر شرایط سیاسی و اجتماعی حاکم بر جامعه در بیان راوی برای بازگو کردن خاطرات ۳- منفعت طلبی ۴- تبرئه کردن خود ۵- شخصیت زدگی اشاره کرد در نتیجه باید در استفاده از مطالب خاطرات احتیاط کرد و برای اطمینان با مطالب منابع دیگر تطبیق داد.

در بخش اندیشه های آیت الله بهشتی در زمینه ی سیاسی، اقتصادی، دینی و اجتماعی از کتابهای وی استفاده شده است از جمله کتاب بانکداری، ربا و قوانین مالی اسلام انتشارات بقعه ۱۳۸۶، اقتصاد اسلامی انتشارات فرهنگ اسلامی ۱۳۷۴، ربا در اسلام انتشارات فرهنگ اسلامی ۱۳۶۹، ولایت، رهبری و روحانیت انتشارات بقعه ۱۳۸۳، حزب جمهوری مواضع تفصیلی بقعه ۱۳۸۸، شناخت اسلام ۱۳۵۹، نقش انبیاء و پیامبران در هدایت و عدالت که ستاد برگزاری مراسم هفت تیر در ۱۳۶۲ چاپ کرده است

زندگینامه آیت الله بهشتی:

۱ - تولد و پیشینه‌ی خانوادگی:

سید محمد حسینی بهشتی در دوم آبان سال ۱۳۰۷ در محله ی لومبان شهر اصفهان متولد شد. پدرش فضل الله نام داشت و از روحانیون و مدرسان برجسته حوزه علمیه اصفهان و همچنین امام جماعت مسجد لبنان (لومبان) بود که در سال ۱۳۴۱ فوت کرد و مادرش معصومه بیگم. این خانواده به غیر از فرزند پسر که محمد بود صاحب دو دختر نیز به نام‌های بتول وزینت‌السادات بودند، سلسله نسب این خانواده به امام سجاد (ع) می‌رسید.^۱ بهشتی از طرف خانواده مادری از یکی از خاندان‌های معروف اصفهان یعنی خاتون آبادی محسوب می‌شد، پدر بزرگ وی سید محمد صادق مدرس خاتون آبادی از مراجع و مجتهدین برجسته عصر خود بود که با شخصیت‌هایی چون آیت الله نائینی، شیخ عبدالکریم حائری، آیت الله اصفهانی و آقاضیاء عراقی هم عصر بوده و از محضر اساتیدی چون آخوند خراسانی و محمد کاظم طباطبایی بهره برده و به خاطر رابطه و علاقه ای که بین او و استادش یعنی آخوند خراسانی وجود داشت به وی در نوشتن کتاب کفایه الاصول کمک کرد. همچنین از شرکت کنندگان در تحصن علما در اعتراض به اعمال ضد دینی رضاشاه که توسط حاج آقا نور الله اصفهانی رهبری می‌شد و در سال ۱۳۴۶ ق اتفاق افتاد بوده و بسیاری از علما از محضرش استفاده کرده اند از جمله امام خمینی و سرانجام آیت الله خاتون آبادی در سال ۱۳۰۸ ش در حالیکه محمد بهشتی یک سال بیشتر نداشت دار فانی را وداع گفت.^۲

۲ - تحصیلات و استادان:

بهشتی در سال ۱۳۱۱ در سن چهار سالگی خواندن و نوشتن در مکتب خانه را آغاز کرد و دوره ی دبستان را در مدرسه ی دولتی ثروت که بعدها ۱۵ بهمن نام گرفت گذراند در ابتدای ورود به مقطع دبستان از وی آزمون ورودی گرفتند و نتیجه اش این شد که به کلاس ششم برود اما به دلیل سن کمش قبول نکردند و به کلاس چهارم رفت پس از پایان یافتن دوره ی دبستانش به دبیرستان سعدی رفت و در اوایل سال دوم دبیرستانش بود که حوادث شهریور ۱۳۲۰ پیش آمد.^۳

^۱ - کردی، علی، زندگی و مبارزات آیت الله بهشتی، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۵، ص ۳۱

^۲ - شعبانی، امامعلی، تاریخ شفاهی زندگانی و مبارزات آیت الله بهشتی، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۷، صص ۲۴-۲۲

^۳ - حسینی بهشتی، محمد، سخنرانی‌ها و مصاحبه های آیت الله بهشتی، ج ۳ (اسفند ۵۹ تا شهادت)، تدوین: محمدرضا سرابندی، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۶، ص ۱۶۳

پس از شهریور ۲۰ به دلیل مشغول بودن دستگاه رژیم پهلوی با مسائل سیاسی مختلف تاحدی از فشاری که از جانب حکومت بر روحانیون حاکم بود کاسته شد و فرصتی مناسب برای یادگیری علوم اسلامی به وجود آمد و علمای آن دوران سعی کردند از فرصت به وجود آمده نهایت استفاده را داشته باشند و خسارت و لطمه هایی که از جانب حکومت رضاشاه بر حوزه های علمیه آمده بود را جبران کنند لذا سالهای ۱۳۲۰-۱۳۲۱ سالهای اوج اشتیاق مردم برای یادگیری علوم اسلامی بود.^۱

عوامل مختلفی در تمایل و علاقه ی بهشتی برای کسب تحصیلات حوزوی نقش داشته اند از جمله اینکه دبیرستانی که اودر آن درس می خواند در میدان شاه سابق (میدان امام کنونی) واقع بود جایی که مدارس حوزوی از جمله مدرسه ی صدر، مدرسه ی جده و دیگر مدارس طلاب در آنجا قرار داشت و بین مدرسه ی وی تا منزلشان چهار پنج کیلومتر فاصله بود و از آنجایی که او این مسیر را پیاده رفت و آمد می کرد در بین راه با کسانی که دروس حوزوی می خواندند آشنا می شد. علاوه بر اینکه او در خانواده ای رشد کرده بود که پدرش روحانی بود هم از طرف پدری و هم از طرف مادری در فراگیری تحصیلات حوزوی سابقه ی دیرینه داشته اند، او در سال دوم دبیرستان همکلاسی ای داشت که در سرکلاس به جای توجه به درس معلم کتابهای عربی می خواند و همه ی این عوامل دست به دست هم دادند و باعث شدند در وجود بهشتی شوقی به وجود بیاید که دوره ی دبیرستان را به اتمام نرساند و به سوی طلبه شدن برود.^۲

وی در سال ۱۳۲۱ ش به مدرسه ی صدر اصفهان رفت و تا سال ۱۳۲۵ در این مدرسه درسهای ادبیات عرب، منطق، کلام و سطوح فقه و اصول را یاد گرفت. علاقه و استعداد ذاتی بهشتی برای یادگیری علوم اسلامی باعث شد تا او دوره ی سطح (از مقدمات تا کفایه) را در مدت چهار سال به اتمام برساند که این مورد در نوع خود بی نظیر بود چون دوره ی سطح اتمامش هشت سال طول می کشید در حالیکه بهشتی آن را در عرض چهار سال به پایان رساند.^۳ وی در سال ۱۳۲۴ تصمیم گرفت در حجره ی مدرسه بماند زیرا فاصله ی منزل تا مدرسه چهار پنج کیلومتر بود و این رفت و آمد وقت زیادی از او می گرفت، از طرفی از آنجایی که مادر بزرگ و عموهایش در همان خانه پدری زندگی می کردند خانه پر جمعیت و شلوغ بود و فضای مناسبی برای مطالعه نبود در نتیجه تصمیم می گیرد سالهای ۲۴ و ۲۵ را در حجره اش بماند. این حجره همان حجره ای بود که در آن مدرس و میرزای شیرازی روزگاری را در آن سپری کرده بودند.^۴

۱ - شعبانی، پیشین، ص ۲۸

۲ - حسینی بهشتی، پیشین، ص ۱۶۳

۳ - شعبانی، پیشین، ص ۳۰ و پاورقی

۴ - همان، ص ۳۰

بهشتی در سال ۱۳۲۵ش در اواخر دوره سطح بود که تصمیم گرفت برای ادامه ی تحصیلات حوزوی خود به قم برود و در ابتدای ورودش به قم به مدرسه ی حجّیه که آیت الله حجت کوه کمره ای تأسیس کرده بود رفت او در آن موقع هیجده سال بیشتر نداشت. وی ابتدا در حدود شش ماه بقیه ی سطح، مکاسب و کفایه را مطالعه و تکمیل کرد و از ابتدای سال ۱۳۲۶ یادگیری درس خارج را آغاز کرد و درس خارج فقه و اصول را نزد آیت الله محقق داماد می رفت، از دیگر اساتیدش امام خمینی بود که تقریباً از سن بیست و سه سالگی پای درس امام رفت و نخستین درسی که بهشتی از درس امام در آن شرکت کرد درس صرف بود او همچنین مدتی از درس آیت الله محمدتقی خوانساری و حجت کوه کمره ای بهره برده و در آن زمان که بقیه ی سطح را می خواند مقداری از کفایه را نزد آیت الله حاج شیخ مرتضی حائری یزدی تلمذ نمود.^۱ از جمله دیگر درسهایی که بهشتی به طور مداوم و فعالانه در آن شرکت می کرد درس آیت الله بروجردی بود که شیوه بیان مطالب و تدریس ایشان همیشه برای وی جذابیت داشت به گونه ای که او دقت نظر خود را در برخورد با مباحث مختلف و اهمیت دادن به افزایش معلومات علمی را مدیون این عالم بزرگ می دانست.^۲ از اولین دوستان دوران طلبگی بهشتی و کسانی که با وی هم بحث بودند می توان به افرادی چون سید موسی شبیری زنجانی، سید مهدی روحانی، آذری قمی، مکارم شیرازی و امام موسی صدر اشاره کرد.^۳

بهشتی در سال ۱۳۲۷ تصمیم گرفت کنار تحصیلات حوزوی تحصیلات جدید را نیز ادامه دهد بنابراین با گرفتن دیپلم ادبی به صورت متفرقه و آمدن به دانشکده معقول و منقول آن موقع (الهیات) دوره لیسانس را در رشته ی فلسفه در فاصله ی سال های ۳۰-۲۷ گذراند او در سال های ۳۰-۲۹ به تهران آمد تا هم از تحصیلات علوم جدید بهره ببرد و هم زبان انگلیسی خود را تقویت و کاملتر کند و برای تأمین هزینه ی زندگی اش تدریس می کرد. او در سال ۳۰ لیسانس خود را گرفت و برای ادامه ی تحصیل به قم برگشت و به عنوان دبیر زبان انگلیسی در دبیرستان حکیم نظامی مشغول به تدریس شد.^۴

بهشتی در سن ۲۴ سالگی و در چهار اردیبهشت ۱۳۳۱ با نوه خاله و به نسبتی دیگر نوه عموی خود که چهارده سال بیشتر نداشت ازدواج کرد.^۵ آنها سه ماه نخست را در اصفهان گذراندند و بعد از آن به قم آمدند و به مدت ۱۲ سال در قم ماندند.^۶ او پس از گرفتن مدرک لیسانس خود در سال ۳۰ در رشته ی فلسفه به دلیل علاقه ای که برای فراگیری علوم عقلی داشت و همچنین رفع ابهام سوالات فلسفی اش

^۱ - همان، صص ۴۱-۳۹

^۲ - یاران امام به روایت اسناد ساواک، ج سوم (شهید بهشتی) تهران، مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، ج اول، ۱۳۷۷، ص ص ۱۷۳

^۳ - حسینی بهشتی، پیشین، ص ۱۷۳

^۴ - همان، ص ۱۶۵

^۵ - مصاحبه با علیرضا بهشتی، جلسه دوم، ۹۱/۸/۳

^۶ - ابراهیم زاده، حسن، بهشتی در زمین، تهران، کانون اندیشه جوان، ۱۳۸۷، ص ۳۵

تصمیم گرفت به خارج از کشور سفر کند و در آزمون بورس تحصیلی خارج از کشور قبول شد و قصد سفر داشت که به پیشنهاد دوست خود یعنی آیت الله مطهری در کلاس درس علامه طباطبایی حاضر می شود و چنان مجذوب شخصیت و بردباری ایشان می شود که از سفر خود منصرف و به مدت پنج سال یعنی از سال ۳۰ تا ۳۵ از محضر وی بهره برد. علامه اسفار ملاصدرا و شفای ابن سینا را درس می داد. و سرانجام اینکه بهشتی در آزمون دکتری فلسفه ی اسلامی قبول شد و از سال ۱۳۳۵ تا ۱۳۳۸ دوره ی دکتری خود را در رشته ی فلسفه دانشکده معقول و منقول (الهیات) گذراند و موضوع رساله ی ایشان در این مقطع مسائل ماوراء الطبیعه در قرآن بود و در جلسه ی دفاعیه ی وی اساتیدی چون محمود شهابی، امیرحسین آریان پور و آیت الله مطهری به عنوان استاد راهنمای این رساله حضور داشتند.^۱ علاوه بر بهشتی محمد جواد باهنر نیز رساله ی مقطع دکتری خود را با راهنمایی استاد مطهری نوشته بود.^۲

۳- زمانه و فضای سیاسی ایران (۱۳۴۲-۱۳۲۰)

۱- از شهریور ۱۳۲۰ تا ۲۸ مرداد ۳۲:

در روز سوم شهریور ۱۳۲۰ کشور های انگلیس و شوروی توسط سفیران خود هر کدام یادداشت های جداگانه ای را به اطلاع ایران رساندند که متن این یادداشت ها چنین بود: «چون دولت ایران در انجام درخواست های فوری و مهم دو کشور همسایه که در یادداشت های مورخه ی ۲۸ تیر و ۲۵ مرداد سال ۱۳۲۰ به صورت مبسوط و واضح به آنها اشاره شده بود سهل انگاری کرد و سیاست مبهمی در این موقع باریک و خطرناک پیش گرفت و اظهارات و تذکرات دوستانه ی ما را نخواست و در بیرون کردن عمال آلمانی هیچ گونه اقدامی نکرد به این سبب دولت های انگلیس و شوروی خود را ناگزیر دیدند به نیروهای مسلح خود دستور دهند که از مرزهای ایران عبور کنند و اینک با کمال تاسف به آقای نخست وزیر اطلاع می دهیم که واحدهای شوروی و انگلیس طبق دستور ستادهای مربوطه وارد خاک ایران شده و مشغول پیشروی هستند.»

به دنبال یادداشت های آنها رضا شاه قبل از اینکه متفقین نیروهای خود را وارد تهران کنند در تاریخ ۲۵ شهریور ۱۳۲۰ بنا به پیشنهاد انگلیس از سلطنت کنار رفت و حکمرانی را به ولیعهد خود یعنی محمدرضا پهلوی سپرد و استعفا نامه اش توسط محمد علی فروغی قرائت شد و در همان روزی که استعفای خود را

^۱ - شعبانی، پیشین، ص ۴۹

^۲ - جوانمرد، احسان، رفتار سیاسی شهید مطهری و انقلاب اسلامی، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۵، ص ۴۵

نوشت ولیعهد او در مجلس حضور پیدا کرد و پس از سوگند یاد کردن در حضور نمایندگان مردم، جانشین پدرش شد.^۱

در واقع دولت انگلیس همانطور که روزی رضاشاه را به دنبال کودتای ۳ اسفند ۱۲۹۹ روی کار آورد پس از گذشت چندین سال سرانجام او را از سلطنت برکنار کرد.

به دنبال حمله‌ی متفقین و استعفای رضا شاه در شهریور سال ۱۳۲۰ فضایی در ایران به وجود آمد که در طی شانزده سال سلطنت رضا شاه به دلیل ایجاد جو خفقان و دیکتاتوری توسط او چنین شرایطی به وجود نیامده بود از جمله اینکه افسران ارتش و سربازان پادگان‌ها را رها کردند، روسای ایلات و عشایر که تحت نظارت پلیس تهران بودند خود را از این نظارت نجات دادند. با توجه به شرایط مناسب به وجود آمده، بسیاری از سیاستمداران کهنه کار بار دیگر به صحنه‌ی قدرت روی آوردند. روحانیون نیز که تحت فشار اعمال ضد مذهبی رضاشاه بودند وعظ و سخنرانی را از سر گرفتند و همچنین روشنفکران از طریق تشکیل حزب و منتشر کردن روزنامه وارد میدان سیاست شدند.^۲

اگر بخواهیم اوضاع عمومی ایران را پس از سقوط سلطنت رضا شاه بیان کنیم می‌توان گفت به دلیل اشغال کشور توسط متفقین و ناامنی بوجود آمده، در واردات و صادرات کالاها رکود به وجود آمده بود، تقاضا برای مواد مصرفی در بازار ایران افزایش پیدا کرده بود به خصوص با توجه به نیاز نیروهای متفقین این افزایش تقاضا برای مواد مصرفی چند برابر شده بود. عده‌ای به دنبال سود دست به احتکار می‌زدند، شیوع انواع بیماری‌ها مردم را هلاک کرده بود و تمام این موارد بحران شدیدی را در زندگی عموم مردم به وجود آورده بود.^۳

در واقع اگر بخواهیم پیامد حمله‌ی متفقین را به ایران در نظر بگیریم این عواقب و پیامدها در زمینه‌های مختلفی چون سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی صورت گرفت. در زمینه‌ی پیامد سیاسی حمله‌ی متفقین به ایران در شهریور سال ۱۳۲۰ می‌توان به موارد زیر اشاره کرد از جمله اینکه این حمله باعث برکناری و تبعید رضاشاه و همچنین باعث سلطنت و جانشینی ولیعهد (محمدرضا پهلوی) شد. در واقع این اولین پیامد و نتیجه‌ی حمله‌ی بیگانگان به ایران بود و از آنجایی که رضا شاه در سال‌های سلطنت شانزده ساله‌ی خود با ایجاد سرکوبی و خفقان و دیکتاتوری بر مردم حکومت می‌کرد، سقوطش باعث خوشحالی مردم شد به طوری که حتی مردم ایران برای ادامه‌ی سلطنت او اقدامی نکردند. دومین مورد پیامد سیاسی را می‌توان منصوب شدن محمد علی فروغی (ذکاء الملک) به نخست‌وزیری دانست. قبل از فروغی علی منصور نخست‌وزیر ایران بود که دو روز بعد از اشغال کشور استعفا داد. بحرانی که پس از

^۱ - گذشته چراغ راه آینده است، پژوهش‌گروهی جامی، تهران، نیلوفر، چ دوم، ۱۳۶۲، صص ۹۹-۸۹

^۲ - آبراهامیان، برواند، ایران بین دو انقلاب، ترجمه‌ی احمد گل محمدی، محمد ابراهیم فتاحی، تهران، نی، ۱۳۷۷، صص ۲۰۸-۲۰۲

^۳ - گذشته چراغ راه آینده، پیشین، صص ۱۶۳-۱۶۲

شهریور ۱۳۲۰ به وجود آمده بود کشور را به قدری آشفته کرد که کابینه های به وجود آمده و دولت هایی که تشکیل می شد، دوام و ثبات زیادی نداشتند، به طوری که تا به قدرت رسیدن مصدق در اوایل سال ۳۰ شانزده دولت تشکیل شد و این دولت ها عبارت بودند از دولت فروغی، سهیلی، قوام السلطنه، صدراالاشراف، ساعد، بیات، حکیمی، هژیر، رزم آرا و علاء^۱.

از دیگر دستاوردهای سیاسی خروج رضا شاه را می توان در تشکیل احزاب سیاسی و انتشار مطبوعات دید. در طول سلطنت رضاشاه هیچ یک از احزاب و گروه های سیاسی حتی مجامع صنفی امکان فعالیت نداشتند. اما با سقوط رضا شاه شرایط برای فعالیت آن ها فراهم شد، در نتیجه ده ها حزب و اتحادیه شکل گرفت نظیر حزب توده، اراده ی ملی، عدالت، استقلال، وطن، مردم، میهن پرستان و غیره وضعیت مطبوعات نیز چنین بود، یعنی در دوره ی رضا شاه مطبوعات آزادی نداشتند و اکثر مطبوعات درباری و دولتی بودند و این مطبوعات به دنبال پیروی از سیاست های فرهنگی فروغی شیعه ستیزی و اسلام زدایی و بزرگ نمایی دوره ی باستان را در رأس برنامه های خود قرار داده بودند اما پس از شهریور ۲۰ مطبوعات در بیان آزادی پیدا کردند و هرکسی بدون هیچ محدودیتی هرچه را می خواست، می نوشت. روزنامه ها و نشریه های زیادی منتشر شد. با این آزادی بوجود آمده مطبوعات به افشاگری پرداختند، بحث های جنجالی را پیش می کشیدند، در کنار این آزادی که برای فعالیت مطبوعات و احزاب فراهم شد برای زندانیان سیاسی که به خاطر فعالیت سیاسی علیه رژیم گرفتار زندان شده بودند فرصتی نیز به وجود آمد. حکومت محمدرضا برای آنکه تا حدی از خشم و نفرت مردم بکاهد تعدادی از شکنجه گران رضا شاه را به محاکمه کشید از جمله این افراد می توان به رکن الدین مختاری رئیس کل شهربانی، پزشک احمدی، سرهنگ نیرومند رئیس زندان شهربانی و مصطفی راسخ قائم مقام رئیس زندان اشاره کرد که از میان آنها فقط پزشک احمدی اعدام شد.^۲

حمله ی متفقین و سقوط رضاخان فقط در زمینه سیاسی پیامد و دستاورد نداشت بلکه در زمینه های دیگر از جمله در زمینه ی اقتصادی نیز تغییراتی به وجود آورد و شرایط نا مساعدی برای مردم فراهم شد از جمله اینکه در زمینه اقتصادی هرج و مرج به وجود آمد، بیکاری و تورم افزایش پیدا کرد، مردم با قحطی مواجه شدند، دولت ایران مجبور به چاپ بی رویه اسکناس شد کالاهای صنعتی و مصرفی خارجی به قیمت بالایی فروخته می شد، برای تهیه مواد غذایی جبهه های جنگ متفقین، این مواد به قیمت ارزان حتی به اجبار از روستاییان خریده می شد اوضاع اقتصادی به قدری نا مساعد و بحرانی بود که حتی دولت قوام که با شعار حل مشکل نان مردم در اواسط ۱۳۲۱ به نخست وزیری رسیده بود با بلوای ساختگی نان در ۱۷ و ۱۸ آذر روبه روشد وقتی نتوانست این مشکل را حل کند در بهمن همان سال استعفا داد و مورد

^۱ - مقصودی، مجتبی، تحولات سیاسی-اجتماعی ایران (۱۳۵۷-۱۳۲۰)، تهران، روزنه، ۱۳۸۰، صص ۲۹-۲۶
^۲ - همان، صص ۳۱-۳۰

آخر اینکه سقوط رضا شاه پیامدهایی نیز در زمینه فرهنگی به وجود آورد رضا شاه که در دوره سلطنت خود سیاست فرهنگی خاصی را دنبال می کرد و به دنبال ترویج باستان گرایی و نفی مظاهر اسلامی بود و از طریق تغییر نظام آموزشی کشور و نظام قضایی، با کاهش دادن تعداد نمایندگان روحانی در مجلس و محدود کردن استفاده از منابر، مساجد، موقوفات و برگزاری مراسمات مذهبی به دنبال کاهش قدرت روحانیت بود پس از استعفایش از سلطنت، رهبران مذهبی بار دیگر فعالیتها ی خود را از سر گرفتند و سعی کردند از طریق منابر و مساجد پیام اسلام را به مردم برسانند و نفوذ دینی خود را در میان مردم به دست آوردند.^۱

سیاست فرهنگی دنبال شده توسط رضا شاه برای تضعیف نهاد دین در جامعه، فضایی را فراهم کرد که باعث شد جریان های فکری ضد دینی به وجود آید و از آنجایی که این جریانات همسو با سیاست فرهنگی او بودند مورد حمایت وی قرار گرفت و گسترش وسیعی یافت و همین آزادی عمل باعث شد این جریانات بسیاری از اعتقادات مذهبی را نفی و انکار کنند. از جمله این افراد می توان به کسروی، حکمی زاده و شریعت سنگلجی اشاره کرد آنها بدون مخالفت شهربانی در مجامع عمومی فعالیت می کردند به طوری که کتاب اسلام و رجعت شریعت سنگلجی در سطح وسیعی چاپ شد همچنین حکمی زاده کتاب اسرار هزار ساله را نوشت. اما در این جریان فکری ضد دینی کسی که از همه بیشتر در زمینه ی ضدیت با اسلام و شیعه جدیت به خرج داد به طوری که حتی جانش را در این زمینه از دست داد احمد کسروی بود و تأثیرش بر جریانات سیاسی و اجتماعی جامعه پس از شهریور سال ۲۰ بیشتر از آن دونفر بود.^۲

در آن شرایط بحرانی پس از حادثه شهریور ۱۳۲۰ مردم به جای بازگشت به فرهنگ و شخصیت خود شاهد تدوین کتابهای انحرافی کسروی و جشنی که او در یکم دی به عنوان جشن کتابسوزی برگزار می کرد بودند او در این جشن کتابهایی از مولانا، حافظ، سعدی، را به آتش می کشید. کسروی عامل عقب ماندگی جامعه را در مذهب و دین می دانست نه استعمار و استبداد او در نوشته هایش به خصوص در کتاب ورجاوند بنیاد و شیعه گری شدید ترین لحن را در توهین به مذهب شیعه و اعتقادات آنان به کار برد و مصیبت های حضرت زهرا را دروغ و وجود و ظهور امام زمان را انکار می کرد او در توهین به مقدسات و اعتقادات شیعه به قدری زیاده روی کرده بود که علما خطر انحرافات فکری او را بیشتر از احزاب و جریانات دیگر می دانستند. دلیل این همه احساس خطر علما به خاطر عواقب ناخوشایندی بود که برای مردم به دنبال داشت از جمله ۱- نیروهای اشغالگر را از گزند مردم دور نگه میداشت و آنان را

^۱ - همان، صص ۳۵-۳۲

^۲ - امینی، داود، جمعیت فدائیان اسلام و نقش آن در تحولات سیاسی - اجتماعی ایران، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۱، صص ۳۷-۳۸

به درگیریهای داخلی می کشاند^۲ - روشنفکران که قبل از شهریور ۱۳۲۰ روحانیت را سبیل مبارزه با ظلم می دانستند به مذهب با دید خرافی نگاه می کردند.^۱

تا سال ۱۳۲۴ که آلمان ها شکست قطعی خوردند و متفقین برای تقسیم غنایم خود و تعیین حدود و مرزهای نفوذی خود کنفرانس تهران را با حضور استالین، چرچیل و روزولت تشکیل دادند اوضاع ایران همچنان آشفته بود و این آشفتگی تا سرکوب شدن شورش پیشه وری همچنان ادامه داشت تا اینکه در سال ۲۶ تا حدی ایران روی آرامش را به خود دید.^۲

از دهه ی ۱۳۲۰ تا دهه ی ۳۰ حوادث مهم دیگری در کشورمان رخ داد که تأثیر آنها تا سالیان سال در حوادث بعدی ایران احساس می شد از جمله ملی شدن نفت و کودتای ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲. ملی شدن صنعت نفت در ۲۴ اسفند در مجلس شورای ملی و در ۲۹ اسفند سال ۱۳۲۹ در مجلس سنا تصویب و تأیید شد و کمیسیون مخصوص نفت به اتفاق آرا اصل ملی شدن صنعت نفت را اعلام کرد. در حمایت از ملی شدن این صنعت تظاهرات پی در پی زیادی توسط مردم صورت گرفت حتی ترور رزم آرا هم به دلیل مخالفت با این قضیه صورت گرفت یعنی به موضوع نفت مربوط می شد و یا حسین علاء که پس از رزم آرا روی کار آمده بود وقتی تظاهرات مردم را برای تأکید و اصرار بر ملی شدن نفت را مشاهده کرد پس از ۴۶ روز نخست وزیری تن به استعفا داد. زمانیکه مردم و نمایندگان مجلس به نخست وزیری مصدق رأی تمایل نشان دادند او برای قبول این سمت شرط تصویب طرح ۹ ماده ای را مطرح کرد این طرح شرایط ملی شدن نفت را فراهم می کرد زمانیکه مجلس ۷ اردیبهشت و سنا دوروز بعدش این طرح ۹ ماده ای را تصویب کرد و به تأیید شاه رسید به همراه آن فرمان نخست وزیری مصدق نیز صادر شد او وقتی روی کار آمد به دنبال تعقیب دو هدف اصلی بود یکی اجرای ملی شدن نفت و بهبود بخشیدن به اوضاع اقتصادی کشور از طریق در آمد نفت و دیگری اصلاح قانون انتخابات بود.^۳

او پس از اینکه از شاه پست وزارت جنگ را در خواست کرد تا اختیارات بیشتری داشته باشد و با مخالفت شاه روبه روشد استعفای خود را اعلام کرد و مجلس پس از چند روز در ۲۶ تیر سال ۳۱ به احمد قوام برای نخست وزیری رأی تمایل داد در نتیجه شاه او را به نخست وزیری انتخاب کرد. زمانیکه قوام جایگزین مصدق شد آیت الله کاشانی به حمایت از مصدق قیام ۳۰ تیر را رهبری کرد تا اینکه قوام مجبور به استعفا شد و مصدق بار دیگر با حمایت آیت الله کاشانی و مردم برای بار دوم به نخست وزیری رسید.^۴

۱ - همان، صص ۵۸-۵۷

۲ - جعفریان، رسول، جریان ها و جنبش های مذهبی - سیاسی ایران (۱۳۲۰-۵۷)، تهران، پژوهشگاه اندیشه اسلامی، ۱۳۸۱، ص

۱۳

۳ - مقصودی، پیشین، ص ۱۱۶

۴ - همان، صص ۱۲۴-۱۱۷

۲- از سال ۳۲ تا ۱۵ خرداد ۴۲:

دولت انگلیس پس از اینکه با ملی شدن صنعت نفت ایران دستش از غارت نفت ایران کوتاه شد و شکایتش به سازمان ملل از دولت ایران به جایی نرسید تمام تلاش خود را برای سرنگونی مصدق که عامل این زیان برای آنها بود به کار برد در نتیجه به دنبال کودتایی برای براندازی دولت مصدق شده و برای این کار دولت آمریکا را با خود همراه کرد و وقتی جمهوری خواهان با رهبری آیزنهاور در سال ۱۳۳۱ روی کار آمدند دولت انگلیس خطر نفوذ کمونیسم و گسترش آن را در ایران به آمریکا قبولاند که مانع اصلی شخص مصدق است پس طرح براندازی مصدق را با عنوان عملیات چکمه در نظر گرفتند و دولت آمریکا را در جریان این طرح قرار دادند و دولت آمریکا پس از بررسی های لازم نام رمزی که برای این طرح انتخاب کرد عملیات آژاکس بود و سرانجام با همکاری عوامل داخلی و بیگانگان دولت مصدق در کودتای ۲۸ مرداد سقوط کرد.^۱

این کودتا باعث شد محمدرضا پهلوی بار دیگر به اریکه ی قدرت باز گردد و دولت کودتا به رهبری ارتشبد فضل الله زاهدی روی کار آمد. دولت زاهدی پس از روی کار آمدن خود برای تثبیت موقعیتش شروع به دستگیری نیروهای ضد کودتا کرد و بسیاری از طرفداران نهضت ملی روانه زندان شدند. مصدق پس از اینکه خود را معرفی کرد دستگیر و به سه سال زندان محکوم شد و پس از سه سال به احمد آباد تبعید شد و تا آخر عمر، زندگانی خود را در آنجا گذراند، همچنین حزب توده و سازمان هایی که وابسته به این حزب بودند توسط دولت کودتا و عوامل آن دستگیر شدند. دولت آمریکا به منظور حمایت از دولت کودتا و تثبیت پایه های آن چندین میلیارد دلار به آن کمک مالی کرد و برای اینکه امنیت برای رژیم فراهم شود و مخالفین رژیم سرکوب شوند به کمک کارشناسان موساد و سیا اقدام به تأسیس سازمان اطلاعات و امنیت کشور (ساواک) نمود و رابطه دولت ایران با انگلیس که در دوره ی مصدق قطع شده بود در روز ۱۴ آذر سال ۳۲ بار دیگر برقرار شد دولت های آمریکا و انگلیس برای اینکه از ذخایر نفتی ایران نهایت استفاده را ببرند کنسرسیومی مرکب از آمریکا، فرانسه، هلند و شرکت نفت ایران و انگلیس تشکیل دادند و از آنجایی که جهان سیاست بین دو بلوک غرب به رهبری آمریکا و شرق به رهبری شوروی تقسیم شده بود ایران نیز به تابعیت از آمریکا در مقابل دولت شوروی به پیمان نظامی بغداد پیوست.^۲

^۱ - همان، صص ۱۴۴-۱۴۳

^۲ - گذشته چراغ راه آینده، پیشین، صص ۷۱۱-۶۹۷

آمریکا با توجه به کمک مالی چندین میلیاردی و همچنین متحد بودن ایران در پیمان بغداد نفوذ خود را در ایران روز به روز بیشتر می کرد از طرفی اگرچه به دلیل قرار داد کنسرسیوم در آمد نفتی ایران افزایش پیدا کرده بود اما به دلیل هزینه های هنگفتی که در زمینه ی نظامی ریخت و پاش می شد و همچنین برای برنامه ی بلند مدت هفت ساله ای که دولت برای تأمین هزینه اش پول زیادی خرج کرده بود دولت با کسری بودجه مواجهه شد و برای جبران این کسری و بهبود اوضاع اقتصادی اقدام به گرفتن وام از کشورهای خارجی به خصوص آمریکا کرد تمام این موارد ایران را از لحاظ اقتصادی به دیگر کشورها وابسته می کرد.^۱

اما در سالهای دهه ی ۴۰ نیز حوادث مهم دیگری رخ داد حوادثی که با اصلاحات شروع شد و اوج این حوادث که به روند انقلاب و نهضت امام سرعت داد ۱۵ خرداد سال ۴۲ بود شاه در دهه ی ۴۰ به منظور دگرگون کردن ساختار اقتصادی و اجتماعی دست به اجرای اصلاحات زد که از این اصلاحات خود به انقلاب سفید تعبیر می کرد و نقطه شروع این اصلاحات لایحه انجمن ایالتی و ولایتی بود این لایحه در دوره ی علم به تصویب رسید که به دلیل مخالفت روحانیون این لایحه لغو شد و اما زمینه ها و حوادثی که به ۱۵ خرداد سال ۴۲ منجر شد این بود که بنا به پیشنهاد امام قرار شد نوروز سال ۴۲ عزای عمومی اعلام شود وقتی چنین تصمیمی گرفته شد در عید نوروز مجالس عزادار مساجد و حسینیه ها بر پا شد رژیم وقتی چنین حرکتی را از علما و مردم دید در یک حرکت قهرآمیز همزمان با شهادت امام صادق در دوم فروردین سال ۴۲ مدرسه فیضیه را محاصره کرد و در این حادثه بین افرادی که در مدرسه فیضیه برای عزاداری جمع شده بودند و عوامل رژیم درگیری پیش آمد که تعدادی کشته و مجروح شدند در محکومیت این حادثه علما اعلامیه و تلگراف های فراوانی منتشر کردند.^۲

رژیم برای محدود کردن علما و تحقیر آنها از هیچ کاری کوتاهی نمی کرد به طوری که در اول اردیبهشت سال ۴۲ فرمان اعزام طلاب به سربازی را صادر کرد تا این زمان علما به دلیل تحصیل علوم دینی از خدمت سربازی معاف بودند. جرعه اصلی که منجر به ۱۵ خرداد شد این بود که با آمدن ماه محرم ساواک در طی اطلاعیه ای وعاظ را در مورد سه موضوع منع کرده بود و آن موضوعات این بود که در مورد شاه، اسرائیل و اینکه اینقدر بر نابودی اسلام تأکید نشود اما امام همزمان با روز عاشورا در مدرسه فیضیه سخنرانی کرد و در این سخنرانی خود با توجه به فضای عاشورا و محرم حکومت پهلوی را با دودمان بنی امیه و یزید مقایسه کرد به دنبال این سخنرانی مأمورین رژیم شبانه به منزل امام حمله و او را بازداشت کردند و سپس به پادگان عشرت آباد تهران منتقل کردند این اقدام باز تاب وسیعی داشت و مردم را به اعتراض و راهپیمایی واداشت همزمان با اعتراض مردم قم نسبت به دستگیری امام در تهران نیز

^۱ - مقصودی، پیشین، ص ۱۶۴

^۲ - همان، صص ۳۶۶-۳۵۳

به نشانه اعتراض به اقدام رژیم بازاریان مغازه های خود را تعطیل کردند، دانشجویان کلاس خود را ترک کردند.^۱

رژیم وقتی با این اعتراضات و راهپیمایی مردم مواجه شد دستور حکومت نظامی را داد روحانیون حوزه های علمیه با فرستادن تلگراف خواستار آزادی امام شدند و با صادر کردن اعلامیه اقدام رژیم را محکوم کرد سرانجام رژیم مجبور به آزاد کردن امام شد اما او را به مدت دوماه به داودیه تهران منتقل کرد و تحت کنترل خود قرار داد.^۲

^۱ - همان، صص ۳۶۹-۳۶۷
^۲ - همان، صص ۳۷۴-۳۷۰

فعالیت بهشتی در دهه‌ی ۳۰:

۱- دبیرستان دین و دانش:

بهشتی که در سال‌های ۱۳۲۹ و ۱۳۳۰ هم‌زمان با گسترش مبارزات نهضت ملی نفت به رهبری آیت الله کاشانی و مصدق دوره‌ی لیسانس خود را در تهران می‌گذرانید با اشتیاق به همراه دیگر مردمان حمایت‌کننده‌ی نهضت در تظاهرات و اجتماعات شرکت کرد و حتی در جریان واقعه‌ی ۳۰ تیر که در آن موقع در اصفهان بود در ساختمان تلگراف‌خانه برای حضار به عنوان یکی از سخنرانان به گفته‌ی خودش «کار ملت ایران را در رابطه با نفت و استعمار انگلیس با کار ملت مصر و جمال عبدالناصر و مسئله‌ی کانال سوئز و انگلیس و فرانسه» مقایسه کرده بود. بعد از سقوط دولت مصدق در کودتای ۲۸ مرداد به این نتیجه رسیده بود که اگر نهضت در رسیدن به اهدافش شکست خورده به دو دلیل کمبود کادر و ایدئولوژی سیاسی بوده و در پی آن تصمیم می‌گیرد یک واحد فرهنگی به وجود آورد تا آن طور که فکر می‌کند و به صلاح است کادر هار اتر بیت کند و در نتیجه در سال ۱۳۳۳ در شهر قم دبیرستان دین و دانش را تأسیس می‌کند.^۱

در مورد علت نام‌گذاری مدرسه‌ی دین و دانش بهشتی گفته بود «این اسم را بدان جهت برای این دبیرستان انتخاب کردم که وقتی دانش آموز این همراهی دین و دانش را روی تابلوی دبیرستان یا بر روی سر برگ‌های اداری و امتحانی مدرسه می‌بیند یا از او می‌پرسند کجا درس می‌خوانی از همان اول با دین در کنار دانش آشنا بشود و احساس کند دین و دانش با هم قابل جمع هستند.»^۲

تأسیس این دبیرستان در آن دوران از ابتکارات بهشتی بود مخصوصاً که علاوه بر مدیریت آن مدرسه، در آن زبان خارجی هم تدریس می‌کرد و این کار در شهر مذهبی قم و در سطح حوزه تعجب برانگیز بود و یکی از اهدافی که وی از تأسیس دبیرستان دین و دانش داشت این بود که با توجه به تبلیغاتی که رژیم برای جدا سازی و دور کردن دو قشر روحانیت و دانشجو داشت و این دو قشر دو راه کاملاً مستقل از هم را در پیش گرفته بودند جوانانی را تربیت کند که به دلیل اینکه در دوره‌ی دبیرستان زیر نظر مدیریت یک روحانی بوده اند بدون هیچ مشکلی وقتی وارد دانشگاه می‌شوند با طبقه‌ی روحانی همکاری کنند.^۳

^۱ - حسینی بهشتی، پیشین، صص ۴۴۰-۱۶۶

^۲ - رجایی، غلامعلی، سوره آیت الله بهشتی، به سفارش اداره کل تحقیق و پژوهش بنیاد شهید انقلاب اسلامی، تهران، بنیاد شهید انقلاب

اسلامی، نشر شاهد، ۱۳۸۱، صص ۴۳۲-۴۳۱

^۳ - همان، صص ۴۲۹

این مدرسه از طرف فرزندان روحانیون خیلی خوب استقبال شد به دلیل اینکه برنامه‌ی درسی مدرسه با دروس دینی آمیخته شده بود و دانش آموزان زیر نظر یک روحانی تربیت دینی می‌شدند.^۱

این مدرسه علاوه بر بهشتی با همکاری شخصیت‌های دیگری چون شیخ عبدالمجید رشید پور، حاج میرزا اصغر فقیهی و محمد مفتاح تأسیس شد و با وجود اینکه بهشتی مدیریت آن را بر عهده داشت صاحب امتیاز آن حاج مرتضی حائری یزدی فرزند مؤسس حوزه‌ی علمیه‌ی قم بود زمانی که وی از طرف مراجع به عنوان مبلغ در سال ۴۴ به آلمان سفر کرد مدیریت این مدرسه را به عبدالمجید رشید پور سپرد. در سال ۱۳۵۰ از سوی آموزش و پرورش فردی به نام سید علی غروی به عنوان مدیر مدرسه انتخاب شد تا دبیرستان را طبق اهداف فرهنگی دولت اداره کند تا این سال هیچ شهریه‌ای از سوی دانش آموزان پرداخت نمی‌شد اما پس از این، از دانش آموزان شهریه گرفته شد و در همین زمان آن یک دستگی سابق دبیرستان به هم ریخت و افرادی که پست و سمتی داشتند با آوردن فرزندان خود به این دبیرستان باعث ایجاد شکاف و چالش فرهنگی شدند.^۲

صادق طباطبایی که خود از تحصیل کردگان این دبیرستان بود در مورد وجه تمایز این مدرسه با مدارس دیگر و برنامه‌ی درسی متفاوتی که داشته‌اند می‌گوید که درسهایی به نام جغرافیای اسلام و تاریخ اسلام داشته‌اند که درس جغرافیای اسلام را محمد مفتاح علاوه بر بخشی از منطق تدریس می‌کرد. و تاریخ اسلام را مکارم شیرازی. و درس انشاء نیز داشته‌اند که معلم مخصوص خودش را داشت و ورزش در این مدرسه جزء برنامه‌ی درسی نبود خارج از آن بود. او همچنین در مورد خصوصیات آیت الله بهشتی می‌گوید که او با روش خاص خودش مدرسه را اداره می‌کرد و به دنبال کشف و شناسایی استعداد دانش آموزان بود.^۳ آیت الله بهشتی به غیر از خودش که زبان انگلیسی تدریس می‌کرد از بهترین دبیران قم برای تدریس در این مدرسه دعوت به همکاری کرد از جمله به عبدالباسط رشید پور به عنوان دبیر ادبیات، نیری به عنوان یک روحانی مطرح در امر تعلیم و تربیت، ناظمی مربی مدرسه، قدوسی برادر آیت الله قدوسی، کیوان به عنوان معاون مدرسه و آیت الله مفتاح می‌توان اشاره کرد.

حمید روحانی چنین می‌نویسد: «عده‌ای از جوانان غیور دبیرستان دین و دانش قم وقتی باخبر شدند افراد رژیم به مدرسه‌ی فیضیه حمله کرده‌اند به کمک روحانیون شتافته و در اتاقی که مشرف بر شبستان شرقی مدرسه بود کمین کرده و در حد توان و امکانات خود با افراد رژیم درگیر شده بودند و ساواک قم که

^۱ - یاران امام به روایت اسناد ساواک (شهید بهشتی)، پیشین، ص ۱۵

^۲ - کردی، پیشین، صص ۶۱-۶۰

^۳ - طباطبایی، صادق، خاطرات سیاسی - اجتماعی صادق طباطبایی، ج اول، تهران، چاپ و نشر عروج وابسته به مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۸۷، ص ۲۴؛ رنجبران، بهاره، بهشتی در قاب، تهران، پیام آزادی، ۱۳۸۷، ص ۶۹